



نوشته: دکتر عقیف بهنسی ☆☆
از مجله العربی ☆☆☆

کشف کشور ابلا

وتلاش صیو نیسم برای بهره برداری از آن

(۲)

ریوردوربین مشکوک - در مقاله مجله نیوزویک سخت کوشیده شده است تا کشف مهم مذکور را زیر دوربین مشکوک قرار دهد. نویسنده میگوید:

۱ - **جیوفانی وبتاتو** دودانشمند فقه اللغة از دانشگاه رم معتقدند که این زبان از زبانی منشعب شده است که یهود بدان تکلم می کنند. بهنگام ملاقات دودانشمند مذکور این مطلب را از ایشان پرسیدم، ایشان خندیدند بدو علت: اول از آنکه چنین تفسیری نکرده اند، و دوم بعلمت آنکه این مطلب بامناطق تاریخ مخالف است زیرا این زبان کشف شده بیش از دوهزار سال بر هر زبان یا لهجه ای که از تورات ذکری در آن آمده باشد سبقت دارد.

۲ - نویسنده مقاله می گوید: «باوجود آنکه ۹۵ درصد الواح مذکور هنوز ترجمه نشده، دکتر بتاتو اخیراً بعضی از تأثیرات متساوی بین تمدن ابلا و تمدن یهودیان قدیم را کشف کرده است که **ابراهیم آنان** را حوالی ۳۰۰ سال قبل از ظهور ابلا به کنعان برد». این گفته نیز دروغ و مضحک است چه اولاً بتاتو این خبر منسوب به خود را اساساً نفسی

☆ آقای علی محدث یکی از ترجمانان چیره دست معاصر
☆☆ مدیر کل آثار باستانی و موزه های سوریه
☆☆☆ مجله العربی چاپ کویت شماره ۲۲۶ دسامبر ۱۹۷۷

میکنند و ثانیاً این نوشته‌ها که بدسالهای ۲۲۵۰ - ۲۵۰۰ قبل از میلاد مربوط است پنج قرن برهمنه حوادثی که بر ابراهیم و اعقاب او گذشته پیشی دارد، و این نکته کاملاً معروف است.

مقاله نیوزویک میگوید: «شاهان ابلا بدن خود را باروغن چسرب میکرده‌اند بهمان سان که داود و سلیمان عمل میکرده‌اند». این گفته نیز مضحك و نشان دهنده نیت آنان است که میخواهند خوانندگان جهانی را گمراه کنند زیرا پرواضح است که داود و سلیمان که چندین قرن بعد از شاهان ابلامی زیسته‌اند از ایشان فرا گرفته‌اند نه بالعکس. طبق مقاله مذکور «این نوشته‌ها نشان میدهد که اسم داگان در بین اسامی خدایان آمده است و داگان همان خدای وثنی است که معبدو را شمشون ویران نمود، چنانکه در سفر مذکور است». مقصود از این تحریف چیست؟ آیا این نویسنده نمیداند که داگان که در تورات ذکرش آمده همان خدای وثنی فینیقی است با بدن ماهی و سر انسان، و هنگامیکه تابوت عهد را در کنار آن نهادند داگان بزمین افتاد (۱ سموئیل ۵: ۱-۳). اما آنچه در این نوشته‌ها آمده اینست که ابلا اسم داگان است و داگان در نزد اموریان و کنعانیان خدای قدیمی معروفی بوده و شفر به معبد کاملی بنام او در رأس الشمره دست یافته است و داگان خدای معبود ساکنان ابلامی باشد که بدون شك عموریان بوده‌اند.

بین ابراهیم و نوح - در مقاله نیوزویک آمده: «گروهی از انبیا در ابلا زندگی میکرده‌اند و اسامی تعدادی از اهالی ابلا بنام داود و ایسا و شانول می باشد» همچنین میگوید که نام اورسالیما در این نوشته‌ها آمده و شاید همان ابلا باشد و نیز می گوید: آمدن اسم ایسر یکی از شاهان ابلا - حلقه اتصال بین ابراهیم و نوح را تأکید میکند، زیرا مقصود از ایسر عابر است که نامش در سفر تکوین آمده». نویسنده مقاله این گفته خود را استدراک نموده و عقاید علمائی را که معتقدند در این گفته احتمال مناقشه می‌رود ذکر کرده است.

پرواضح است که تسمیه اورشلیم قدیمی است و فقط بناحیه قدس اطلاق میشود و تسمیه آن بدوره‌های اولیه کنعانیان باز می‌گردد و آن لفظی کنعانی است بمعنی «شهر صلح» و آن نام در تورات بهنگام ذکر «ملکی صادق» آمده است که پادشاه شالیم (اورشلیم) بود و ابراهیم خلیل را متبارک ساخت. ملکی صادق دوستدار صلح و مؤمن به توحید بوده است از این رو او را رئیس ابدی کاهنان شمرده‌اند و تورات و انجیل او را تکریم کرده‌اند. آنچه درباره این پادشاه دانسته میشود اینست که او از رهبران یبوسیان بوده که این شهر قدیمی را تأسیس کرده‌اند. تاکنون دیده نشده است که این تسمیه بجز بر ناحیه قدس اطلاق شود و با آنکه متخصصان رأی نهائی خود را درباره معنی این کلمه بیان نکرده‌اند باید یادآور شویم که «شلیما» اسم یک خدای کنعانی قدیمی است و بدون تردید در ابلا کنعانی

نیز معروف بوده است و بعد کلمه ابرممكن است عابر بوده باشد. اساطورات میگوید ابراهیم پسر تارح بن ناحور بن سروج بن رعوبن فالج بن عابر بن سام بوده است (تکوین ۱۱ : ۱۰-۲۶) یعنی زمان بین ابراهیم وجدبزرگش عابر ۲۰۰ سال است، و حال آنکه فاصله بین ابرپادشاه ابلا (سال ۲۳۵۰ قبل از میلاد) و ابراهیم خلیل (۱۹۵۰ قبل از میلاد) ۴۰۰ سال است.

در نوشته های ابلا به هیچ يك از اعیان ابریا عابر اشاره نکرده اند، همچنانکه اسامی شاهانی که طبقه حاکنه این دوران مهم تاریخ خاورمیانه را تشکیل میداده اند درمآخذ دیگر حتی در تورات وارد نشده است. اسم عابریا ابر اسمی معروف نزد کنعانیان و آرامیان بوده است و ما آرزو مندیم که اثبات آن برای ما تحقق یابد، در آن صورت اهمیت کشفیات ابلا بر کشفیات بحرالمیت برتری خواهد یافت. ما میدانیم که غرض از بیان این مطالب گمراه کننده آنست که به صهیونیسم مجال اثبات وجود تاریخی آنان را بدهد. اما آنچه نوشته شده غیر ممکن است که از دید خواننده دقیق فوت شود گرچه خواننده سطحی را با الفبا و اوصاف دروغی کسانی که گفته ها بدانان منسوب است می فریبد. بهر حال مقصود ما این نیست و غرض ما آنست که هر چه زودتر انتظارات علمای جهان و ملت عرب را پاسخ گوئیم و مهم ترین و راست ترین اطلاعات را از آن دوران تاریخی کهن که تا کنون تاریکی بر آن حکم فرما بوده است در اختیارشان قرار دهیم. در اینجا بذکر این مطلب اکتفا می کنیم که در اجرای برنامه علمی ترجمه نوشته های کشف شده با صداقت و امانت کوشائیم.

حقیقت تمدن بین النهرین در پایان يك مطلب را یادآور می شویم :

پس از تکامل علم باستان شناسی و اطلاعاتی وسیع که از حقیقت تمدن بین النهرین در اختیار ما نهاده است کسی نمی تواند حقایق را واژگون کند یا با اطلاعات جعلی درباره این دوران مهم تمدن ما بگمراه کردن مردم بپردازد. این مطلب ثابت شده است که اکثر اساطیر و حوادث وارد بر زبان یهود از بین النهرین گرفته شده است. چون تورات را یهودیان کاوشگر در بابل نوشته اند و در آن بسیاری از حوادث تخیلی و مأخوذ از سنتهای شایع در آن منطقه و نیز آرمانهای گذشته خود را داخل کرده اند.

اکتشافات روشن کرده است که داستان خلقت در الواح هفت گانه خلقت بابلی وارد شده است. عالم مرگ عالمی است که برگشت از آن ممکن نیست و چنانکه تورات ذکر میکند عالم ظلمت محض است.

قصه آدم و حوا و درخت معرفت خیر و شر نیز قدیمی است. تصویری برستونی بدست آمده که نقش آدم و حوا را با درخت زندگی بین آن دو نشان میدهد و از پشت حوا ماری سر بر آورده است. اهالی دوران باستان بهشت رامی شناخته اند و معتقد بوده اند که بهشت در دلمون (بحرین) قرار دارد.

داستان ایملش و اینتین سومری همان داستان قابیل و هابیل است . قصه طوفان نوح بالتمام با داستانهای باستانی مطابقت دارد که از حادثه‌ای حکایت میکنند که بسبب گمراهی مردم وقوع یافته و خدایان آنان را کیفر داده‌اند . آن حادثه در هزاره سوم قبل از میلاد در جنوب فرات واقع شده است . داستان یوسف بازن فرعون یک داستان فرعونى قدیمی است که بر روی ورق بردی نوشته شده بوده ، و آن بین زن انوبیس و برادر شوهر او باقا گذشته است ، او از باتاکام می‌خواسته ولی باتا با نموده‌است . زن نزد شوهر از او بدگوئی میکند و باتامی گریزد و بعد فرعون و سپس خدامی شود . داستان ولادت موسی نیز عیناً داستان ولادت سرگون اکدی است .

تحریفاتى که بدست بعضی از نویسندگان صورت میگیرد از اهمیت کشفیات تل مردیخ در سوریه چیزی نمی‌کاهد بلکه بعکس دلیلی قاطع است بر اینکه میراثی که یهود برای خود ادعا میکند و برای اثبات آن از کتاب مقدس کمک میگیرند در حقیقت میراث ساکنان این منطقه یعنی عرب باستانی و اهالی قدیم سوریه است . و ما با وجود آنکه به ادیان آسمانی و کتب مقدس اصلی آن‌ها ایمان داریم ، این حقیقت را نمی‌توانیم پنهان نمائیم .

الفبای کنعانی

عربی لاتین جدید برای رأس شمرة جلیل

א	א	A	A	ا
ב	ב	B	B	ب
ג	ג	G	CS	ج
ד	ד	D	D	د
ה	ה	H	E	ه
ו	ו	V	FV	و
ז	ז	Z	...	ز
ח	ח	H	H	ح
ט	ט	T	...	ط
י	י	S	I	ی
כ	כ	K	...	ک
ל	ל	L	L	ل
מ	מ	M	M	م
נ	נ	N	N	ن
ס	ס	S	X	...
ע	ע	O	O	ع
פ	פ	P	P	ف
צ	צ	س
ק	ק	Q	Q	ق
ר	ר	R	R	ر
ש	ש	S	S	س
ת	ת	T	T	ت



یکی از امرای اکادیت
این سر از عاج تراشیده
شده و در موزه ملی دمشق
محفوظ است

جدول الفبای کنعانی (فینیتی)
و الفبای جدید که در آن اشتقاق یافته

1 - برای اطلاع بیشتر از تابوت عهد و داگان به فاموس کتاب مقدس زیر کلمات تابوت عهد و راجون مراجعه فرمائید . (مترجم)